

۸ خرداد ۱۳۹۶ - شماره: ۷۵

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

فتنه‌ای دیگر در جهان اسلام
یادداشتی به بهانه‌ی اجلاس ریاض

نویسنده مقاله:
دکتر مصطفی فروتن

توجه: دیدگاه‌های منتشر شده در پایگاه، دیدگاه‌های ارسال شده توسط کاربرانند و لزوماً دیدگاه‌های این دفتر محسوب نمی‌شوند.

بسم الله الرحمن الرحيم



فتنه‌ای دیگر در جهان اسلام

یادداشتی به بهانه‌ی اجلاس ریاض

دکتر مصطفی فروتن

در روزهای گذشته اجلاس ریاض به میزبانی عربستان سعودی و با حضور ۵۵ کشور اسلامی و ۱۷ تن از رهبران جهان اسلام برگزار شد. خروجی این اجلاس، سندی غیر الزام آور تحت عنوان بیانیه‌ی ریاض بود که بر اموری مانند هم‌پیمانی و همکاری استراتژیک کشورهای عربی-اسلامی با ایالات متحده‌ی آمریکا برای مبارزه با تروریسم و افراط گرایی، تلاش برای مبارزه‌ی فکری با ریشه‌های تروریسم، قطع ید هراس‌افکنان از منابع مالی و اموری از این دست تأکید داشت. اما فارغ از این کلیشه‌ها و شعارهای همیشگی، عدم دعوت از برخی کشورهای اسلامی و تبعاً

غیبت معنادار آنان، در کنار حضور پررنگ و قیّم مآبانه‌ی رئیس جمهور ایالات متّحده‌ی آمریکا، خبر از ماهیّت مشکوک و رنگ و بوی سیاسی و تنش‌زای این اجلاس به اصطلاح اسلامی می‌داد. همچنانکه در جریان برگزاری اجلاس، اظهارات تحریک‌آمیز و تفرقه‌افکنانه‌ی پادشاه عربستان در مورد برخی کشورها و گروه‌های اسلامی هماهنگ با مواضع مغرضانه و شرارت‌بار دونالد ترامپ، با در نظر داشت قرارداد صد میلیاردی و بی‌سابقه‌ی تسلیحاتی میان آمریکا و عربستان، جای هیچ تردیدی باقی نگذاشت که اجلاس مذکور، گونه‌ای لشکرکشی سیاسی و نمایش از پیش طراحی شده برای تزییق بحران و التهاب به پیکر رنجور امت اسلام و نیز گونه‌ای هم‌دستی اهریمنی میان نمایندگان جریان‌های کفر و نفاق در منطقه برای هدف قرار دادن ثبات و امنیت در جهان اسلام است. عجیب نیست که در حاشیه‌ی این اجلاس، شاهد مناسک غیر متعارف و سؤال برانگیزی بودیم که در طیّ آن چند تن از سران عرب به همراه رئیس جمهور آمریکا، دست بر روی گوی جهان‌نمایی شبیه به گوی جادوگران و شیطان‌پرستان نهادند و در چنین هیأتی با یکدیگر هم‌پیمان شدند! ناگفته پیداست که این هم‌پیمانی، ائتلاف شوم کافران و منافقان علیه اسلام و مسلمانان است؛ چراکه از یک سو، آمریکا خصوصاً در قالب اظهارات بی‌پرده و گستاخانه‌ی ترامپ در ماه‌های گذشته، اسلام‌ستیزی و نفرت و بدخواهی خود نسبت به مسلمانان را نشان داده و کاملاً روشن است که به عنوان یک قدرت استکباری و سلطه‌محور، علاقه‌ای به ثبات، امنیت و تفاهم در جهان اسلام ندارد. از همین رو در قالب چنین اجلاس‌هایی کشورهای اسلامی را علیه یکدیگر تحریک می‌کند و به جان یکدیگر می‌اندازد و بسیار خرسند خواهد شد که ثمره‌ی نزاع و واگرایی میان آنان، تجهیز کشورهای متخاصم مسلمان علیه یکدیگر و جوش خوردن معاملات پر سود تسلیحاتی و در نتیجه پر شدن خزانه‌ی ایالات متّحده باشد؛ چراکه این می‌تواند یک بازی برد-برد برای آمریکا باشد و در زمان واحد، تقویت جبهه‌ی خودی و تضعیف جبهه‌ی مقابل را به ارمغان آورد. از سوی دیگر، حاکمان سعودی که آشکارا درآمدهای اداره‌ی حرمین شریفین و فروش نفت را صرف فتنه‌انگیزی در جهان اسلام، پر کردن جیب کافران و حفظ منافع آنان در جهان اسلام می‌کنند، سربازان خوش خدمت شیاطین غربی و سرآمد منافقان در جهان اسلام هستند؛ همچنانکه به وضوح بنیادگرایی، خشونت طلبی، تروریسم و جریان تکفیر در منطقه، از گفتمان وهابیت و رادیکالیسم سلفی نشأت گرفته است که عربستان سعودی اصلی‌ترین مبلّغ، حامی و مدافع آن در جهان اسلام است.

با این اوصاف، به نظر می‌رسد که ماهیّت اجلاس ریاض و تبعات آن برای جهان اسلام را می‌توان از چند زاویه بررسی نمود:

۱. توافق‌نامه‌ی تسلیحاتی ایالات متّحده با عربستان سعودی را می‌توان گونه‌ای باج‌خواهی سیاسی

و اعمال فشار بر عربستان ارزیابی نمود که از ذهنیت سودجویانه و تجارت‌پیشه‌ی ترامپ و نگاه تحقیرآمیز و ابزار‌ی‌اش به جهان اسلام نشأت گرفته است. همچنانکه تلاشی از سوی رئیس‌جمهور آمریکا برای وفا کردن به وعده‌های اقتصادی‌اش در اثنای مبارزات انتخاباتی شمرده می‌شود و این به معنای سیاست یک تیر و دو نشان است که ترامپ آن را در قبال جهان اسلام در پیش گرفته است. عربستان هم که از انتقادات صریح چند ماه پیش ترامپ در زمینه‌ی عدم ایفای وظایف مالی از سوی عربستان، بسیار نگران شده بود، چندی پیش شاهزاده‌ی سعودی محمد بن سلمان را برای مذاکره و امتیازدهی به نزد ترامپ فرستاد و احتمالاً آنجا بود که مقدمات این توافق‌نامه‌ی تسلیحاتی فراهم شد و گواهِش آرام شدن ترامپ و نرم شدن لحنش نسبت به عربستان در ماه‌های اخیر است. بنا بر این، عربستان سعودی تحت فشار تجارت یک‌طرفه و زیرکانه‌ی ترامپ، علی‌رغم سیاست ریاضت اقتصادی و کسری بودجه‌ی کنونی‌اش، این بار قراردادی بی‌سابقه را امضا کرده است تا دل ترامپ را به دست آورد و طی این قرارداد ننگین معادل یک سوم مبلغی که او در رقابت‌های انتخاباتی‌اش وعده داده بود را به خزانه‌ی آمریکا واریز نماید!

۲. از جهتی دیگر، هیچ تردیدی نیست که یکی از اهداف اصلی سناریوی این اجلاس از سوی آمریکا و شرکای منافقش، ایجاد فضای دو قطبی و شکننده در جهان اسلام و افزایش نفوذ عربستان در منطقه و بسط ید آن برای فتنه‌انگیزی، سرکوب و دخالت بیشتر در امور کشورهای اسلامی است؛ همچنانکه در حال حاضر، به عنوان یکی از عواقب فوری و آثار نقد این اجلاس، شاهد گسترش سرکوب و دخالت‌های مستبدانه‌ی عربستان در امور داخلی بحرین هستیم. از همین روست که عربستان با پشتیبانی‌های سیاسی، نظامی و تسلیحاتی آمریکا و نیز با چراغ سبز اسرائیل، از آغاز جنگ یمن به این سو به مناسبت‌های مختلف، طرح ناتوی عربی را با تشریفات و تبلیغات پر طمطراق مطرح می‌کند و هر بار با برخورد سرد و عدم همراهی مورد انتظار کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج مواجه می‌شود؛ همچنانکه به نظر می‌رسد تلاش او برای ایجاد اجماعی عربی علیه ایران در اجلاس ریاض، به واسطه‌ی عمل‌گرایی محدود کشورهای عربی و نیز ساز مخالف قطر که حرف از تقویت و بهبود روابط با ایران می‌زند، با ناکامی و شکست مواجه شود، اگرچه متأسفانه تبعات سوء و پیامدهای مخرب آن در بی‌ثباتی و ناآرام کردن منطقه کماکان محفوظ است.

۳. در این میان، لحن متکبرانانه، مواضع لجوجانه و اقدامات تحریک‌آمیز ایران، آتش این فتنه را داغ‌تر نموده و به این التهاب دامن زده است؛ چراکه به عنوان نمونه، تأکید بر روی شعارهای حساسیت‌زایی مانند صدور انقلاب، تقالای تبلیغاتی و پروپاگاندای گسترده برای نفوذ سیاسی و مذهبی به برخی کشورهای عربی و اسلامی و بسترسازی و تلاش برای طرح و جا انداختن مسأله‌ی

ولایت مطلقه‌ی فقیه، اقداماتی به غایت نسنجیده و تنش‌آفرین است که ثمره‌ای جز برانگیختن خشم کشورهای متعصب و متحجر عربی خصوصاً عربستان و نیز برافروختن آتش نزاع‌های فرقه‌ای و مذهبی ندارد. همچنانکه پافشاری احمقانه و عجیب رسانه‌های حکومتی و تریبون‌های رسمی ایران بر یاد کردن از رهبر ایران با عنوان «ولیّ امر مسلمانان جهان» عاملی برای تمسخر ایران و گواهی بر بی‌خردی و توهم عمیق حاکمان آن است و طبیعی است که منجر به جبهه‌گیری منفی و خصمانه‌ی کشورهای اسلامی می‌شود؛ چراکه روشن است با هیچ مبنایی رهبر ایران نمی‌تواند ولیّ امر آنان و صاحب اختیارشان باشد. اما گویا فرد عاقلی در بدنه‌ی نظام و میان مشاوران رهبر ایران نیست تا این امر بین را به ایشان تذکر دهد و سخافت و توالی فاسد آن را یادآور شود!

فارغ از این موضوع، تلاش‌های پیدا و پنهان ایران برای اعمال نفوذ سیاسی و نظامی در کشورهای منطقه مانند سوریه، عراق و افغانستان، حمله به سفارتخانه و کنسولگری عربستان پس از اعدام ظالمانه‌ی شیخ نمر، دخالت مکرر مقامات ارشد نظامی و امنیتی در مسائل دیپلماتیک و اظهار نظرات تنش‌زا و قلدرمآبانه از سوی آنان، همه و همه جهان اسلام را به سوی یک صف‌بندی آشکار سیاسی و حتی آرایش نظامی کشورهای اسلامی علیه یکدیگر سوق می‌دهد و این همان اتفاق نامبارکی است که نظام سلطه به سردمداری ایالات متّحده و اسرائیل به دنبال آن است و با حضور در اجلاس ریاض و تحریک عربستان علیه ایران آن را پیگیری می‌کند و عجیب‌تر از همه آن است که ایران در حالی مدّعی بصیرت و استکبارستیزی است که با مواضع ناپخته و نسنجیده‌ی خود آب در آسیاب آمریکا می‌ریزد و در زمین ترامپ بازی می‌کند!

۴. برگزاری چنین اجلاس‌هایی که گونه‌ای سیاه‌بازی سیاسی و نمایش قدرت برای افزایش ناآرامی و تنش در جهان اسلام است، در نتیجه‌ی خیانت‌پیشگی، فرومایگی و نفاق قدرت‌های جهان اسلام و عدم اتحاد و همبستگی آنان بر گرد حبل المتین الهی به وقوع می‌پیوندد و بیش از پیش جای خالی همگرایی واقعی و ائتلاف حقیقی امت اسلام برای مقابله با جهان کفر و الحاد را آشکار می‌سازد. این در حالی است که دو سال و اندی پیش، طرح تشکیل اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی برای خروج از بحران کنونی و برون رفت از بن‌بست حال حاضر جهان اسلام از سوی عالم وارسته و آگاه، حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی ارائه و پیشنهاد شد، اما مع الأسف مورد بایکوت و بی‌اعتنایی برخی حاکمان جهان اسلام، خصوصاً ایران قرار گرفت. همچنانکه خلأ جدّی و فقدان آسیب‌زای گفت‌وگویی مشترک میان همه‌ی مسلمانان جهان که زمینه‌ساز توجّه و تمرکز آنان بر روی مشترکات و مسلمات اسلامی شود و تبعاً موجب رفع سوء تعامل‌ها و سوء تفاهم‌ها میان کشورهای اسلامی گردد، جدّاً احساس می‌شود؛ گفت‌وگویی که همه‌ی کشورهای اسلامی را فارغ از همه‌ی سیاست‌بازی‌ها، خودمحوری‌ها،

فرقه‌گرایی‌ها و به دور از نفاق و همدستی با کافران مستکبر، به سوی «بازگشت به اسلام» و احیاء عزّت‌مندی و شوکت اسلامی و بازسازی هویت اصیل ایمانی‌شان فرا خواند؛ گفتمانی مبارک و متعالی که قادر باشد «رهبری واحد» و «منشوری واحد» برای ائتلاف و هم‌افزایی آنان ارائه نماید و طرحی نو را برای پیروزی و سربلندی‌شان دراندازد. این همان گفتمان مترقی و گرانبه‌ای است که امروز توسط حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی مطرح شده است و همه‌ی مسلمانان جهان را به گرده‌مایی و اتحاد بر محور قرآن کریم و خلیفه‌ی خداوند حضرت مهدی علیه السلام فرا می‌خواند؛ چراکه همه‌ی مسلمانان از هر مذهب و مرامی فی الجمله به این دو میراث گرانبها ایمان دارند و آن را حجت و حاکم بر خود می‌شمارند.

اما در پایان باید اشاره کرد که جای بسی شگفتی و تأسف است که مسلمانان تا حدی بی‌غیرت و بی‌عزت شده‌اند که اجازه می‌دهند اربابان کافر، متکبر و جنگ‌طلب دنیا، ریاست آنان را بر عهده بگیرند و با حضور در یک اجلاس اسلامی، سیاست‌های جهان اسلام را تعیین نمایند و به راحتی با سرنوشت آنان بازی کنند! چگونه برخی حاکمان مسلمان چنین ننگ و خفتی را بر خود می‌پذیرند که بازار تسلیحاتی غرب و آلت دست آنان برای مبارزه با مسلمانان و به آشوب کشیدن جهان اسلام باشند؟! آن هم به بهانه‌ی مضحک و بی‌اساس مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی!! مگر غیر از این است که در طول یک سده‌ی گذشته، کافران و مستکبران، مرتکب انواع خشونت، نسل‌کشی، کشتار و تروریسم بین‌المللی شده‌اند و بزرگ‌ترین جنایات جنگی و فجایع انسانی را در پرونده‌ی سیاه خود دارند؟! آیا غیر از این است که عموم گروهک‌های مهم تروریستی دست‌پرورده‌ی کافران هستند و امروز هم دامن ناپاک آنان است که داعش و امثالهم را تربیت نموده و به جان مسلمانان انداخته است؟! پس چه شده است که آمریکا با بهانه‌ی مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و با ژست خدمانانه و کدخدانمانه به مسلمانان سلاح می‌فروشد و آنان را به ترک خشونت و فرقه‌گرایی دعوت می‌کند؟! این روش نخ‌نما و حقّه‌ی کهنه‌ی کثیف این فریبکاران حيله‌گر است که در جهان اسلام فتنه‌سازی می‌کنند و سپس از قبل آن کاسبی می‌نمایند! همچنانکه آتش جنگ را بیش از پیش افروخته می‌سازند و سپس به هر دو طرف درگیر سلاح می‌فروشند و در این میان سود کلانی به جیب می‌زنند!

همچنین تردیدی نیست که این وقایع شوم و تأسف بار از نفاق و ارتجاع برخی حاکمیت‌های منطقه و در رأس آنان عربستان پرده بر می‌دارد و آشکار می‌سازد که آنان به هیچ عنوان دوست اسلام و خیرخواه مسلمانان نیستند و کمترین اهتمامی به آرمان‌های اسلامی ندارند، بلکه دشمنانی بدخواه برای اسلامند و از همین روست که با دشمنان مسلم مسلمانان، همکار و همراه شده‌اند. وقتی پادشاه عربستان،

دوشادوش دونالد ترامپ و به افتخار او مستانه رقص شمشیر می‌کرد و پایکوبی و دست‌افشانی می‌نمود، ناخواسته عکس‌های او در حال نشسته نماز خواندن به یاد آمد! به نظر می‌رسد که حبّ شدید کافران و شوق رقص با ترامپ، کسالت ملک سلمان را به کلی از یاد او برده بود یا شاید هم اعتقاد جناب پادشاه به قدرت تسلیحاتی ترامپ و ضرورت کرنش در برابر او، بسیار بیشتر از اعتقاد به تسلیم بودن در برابر قدرت خداوند و اطاعت از فرمان اوست!

الغرض ضروری است که مسلمانان نسبت به خطر آل سعود و سران عرب همسو با آنان هوشیار باشند و در برابر اتحاد جبهه‌ی کفر و نفاق برای دورتر کردن کشورهای اسلامی از یکدیگر و سوق دادن آن‌ها به سوی رقابت تسلیحاتی و جنگ سکوت نکنند، بلکه به انحاء مختلف با آن مخالفت کنند و درباره‌ی تبعات شومش برای مسلمانان به روشنگری بپردازند، باشد که به تغییر و اصلاح آن بینجامد؛ همچنانکه ضروری است سایر حاکمان مسلمان خصوصاً در کشورهایی مانند افغانستان، پاکستان و مصر، از رقصیدن با ساز آل سعود به طمع کمک‌های مالی آنان بپرهیزند و به آنان در تفرقه‌افکنی و دمیدن در آتش نفرت و کینه میان مسلمانان یاری نرسانند، بلکه آنان را به سوی عقلانیت و اعتدال و خارج شدن از دام آمریکا فرا بخوانند؛ همچنانکه ضروری است حاکمان مسلمان در ایران نیز از دهان به دهان گذاشتن با آنان و ملتهب‌تر کردن فضای موجود بپرهیزند و سیاست‌های برتری‌جویانه و تحریک‌آمیز خود در جهان اسلام را تغییر دهند و به جای اتکاء روزافزون بر روسیه و چین، به فکر بهبود روابط خود با کشورهای اسلامی باشند و صد البته از دشمنی با نهضت زمینه‌سازی برای حکومت امام مهدی علیه السلام با رهبری عالم آزاده و خیرخواه جناب منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی دست بردارند و به حمایت از این جنبش پاک و نویدبخش اسلامی برای رسیدن به آرمان مقدّسش بپردازند تا با این شیوه، سعادت، عدالت، اقتدار و صلح را برای همه‌ی جهان اسلام از جمله سرزمین خودشان به ارمغان آورند ان شاء الله.

